

سرمایه اجتماعی و آگاهی از توسعه پایدار (مطالعه موردی: شهروندان مشگین شهری)

وحید بابازاده^۱، * قربانعلی سبکتکین^۲

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی

(دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱)

Social Capital and Awareness of Sustainable Development (Case Study: Citizens of Meshgin-Shahr)

Vahid Babazadeh¹, *Ghorban-Ali Saboktakin²

1. M.A. in Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Sociology, Kharazmi University, Tehran, Iran

(Received: 2017/06/17

Accepted: 2017/12/02)

Abstract:

participation is an important factor in sustainable development. To this end, people should be informed about sustainable development. However, components of civil society, particularly, social capital, couldn't pave the way for knowledge growth about SD. In the study reported in this paper, the researcher scrutinized the relationship between awareness of SD and social capital in a real circumstance in Meshgin-Shahr. To approach the aims of this survey-based investigation, a researcher-made questionnaire was utilized to gather data from over 18 years old. 382 people were selected as the sample of the study, by applying the random cluster sampling method. The descriptive results of the investigation revealed that people's awareness of SD with an average of 4.1 (reference 1-6) is satisfactory and above the average. Also, there is a significant relationship between "SD awareness" and two-dimension of social capital, namely "contact with people" as well as "reciprocal norms". There is not a significant relationship between another dimension of social capital e.g. "social trust" and SD awareness. According to regression, 36 percent of the changes in the dependent variable relies on "contact with people" and "reciprocal norms". To improve the awareness of SD the knowledge about it should be transmitted between people and in their networks. Moreover, an increase in "social reliance" is a prerequisite in knowledge growth about SD.

Keywords: Civil Society, Sustainable Development, Awareness of Sustainable Development, Social Capital.

چکیده:

حرکت در مسیر توسعه پایدار نیازمند مشارکت مردم است و لازمه آن نیز آگاهی مردم درباره توسعه پایدار است. به نظر می‌رسد مؤلفه‌های جامعه مدنی به‌ویژه سرمایه اجتماعی نتوانسته‌اند شرایط مطلوبی برای رشد دانش درباره توسعه پایدار فراهم آورند. هدف مقاله حاضر مطالعه ارتباط آگاهی از توسعه پایدار و سرمایه اجتماعی در یک شرایط واقعی در جامعه ایران و در بین شهروندان مشگین شهری است. روش تحقیق پیمایش بوده، ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته، جمعیت آماری آن نیز شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن مشگین شهر بوده است. با فرمول کوکران تعداد ۳۸۲ نفر با روش خوشه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه برگزیده شدند. نتایج توصیفی پژوهش نشان داد «آگاهی شهروندان از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار» با میانگین ۴/۱ در بازه ۱ تا ۶ در حد متوسط رو به بالاست. نتایج استنباطی نشان داد که: «آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار» با دو بعد «ارتباط با مردم» و «هنجارهای متقابل» سرمایه اجتماعی ارتباط معنی دارد و مستقیم دارد اما ارتباط آن با بعد «اعتماد اجتماعی» سرمایه اجتماعی رابطه معنی‌دار نیست. تحلیل رگرسیونی تحقیق نشان داد ۳۶ درصد تغییرات متغیر وابسته را دو بعد «ارتباط با مردم» و «هنجارهای متقابل» که در تحلیل رگرسیونی باقی‌مانده‌اند تبیین می‌کنند. برای بهبود آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار، دانش درباره توسعه پایدار باید وارد شبکه‌های ارتباطی افراد جامعه شود. مهم‌تر از آن اعتماد در جامعه باید افزایش یابد تا زمینه رشد دانش درباره توسعه پایدار را فراهم آورد.

واژه‌های کلیدی: جامعه مدنی، توسعه پایدار، آگاهی از توسعه پایدار، سرمایه اجتماعی.

نویسنده مسئول: قربانعلی سبکتکین

E-mail: saboktakingh@khu.ac.ir

*Corresponding Author: Ghorban-Ali Saboktakin

مقدمه

توسعه پایدار شاید در نگاه اول پرچم‌دار بحث‌های صرفاً محیط‌زیستی به نظر برسد اما دغدغه آن توسعه و پایداری همه جنبه‌های زندگی انسان به‌ویژه محیط‌زیست و منابع طبیعی برای همه نسل‌هاست. توسعه پایدار نگران فشارهای زندگی مدرن بر محیط‌زیست و کره زمین بود که امتداد هستی کره خاکی را تهدید می‌کرد. به این نکته نیز باید توجه کرد که در یک قرن گذشته توسعه صنعت و افزایش جمعیت فشار بیش‌ازاندازه‌ای بر محیط‌زیست و منابع طبیعی وارد ساخته است. چنانچه گیدنز نیز یکی از ابعاد مخاطره‌آمیز دنیای مدرن را بحران محیط‌زیستی دانسته است (Giddens, 2005). جامعه ایران نیز بحران‌ها و مسائل محیط‌زیستی بسیاری را پیش رو دارد که توازن توسعه‌ای آن را برهم زده است. چنانچه شاخص جهانی «شاخص عملکردی زیست محیط» در ارزیابی سال ۲۰۱۲ خود رتبه عملکرد محیط‌زیست ایران را ۱۱۴ اعلام کرده بود (Ramezani Ghavam Abadi, 2012). بسیاری نیز بر این باورند بحران کنونی آب مهم‌ترین بحران محیط‌زیستی ایران است و نظر بر خطرناک بودن این مسئله دارند. علاوه بر مسئله آب، نابودی جنگل‌ها و مراتع، خشک شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها، ریزگردها و آلودگی شهرها و بسیاری مسائل دیگر در صف بحران‌های محیط‌زیستی ایران قرار دارند.

دستیابی به اهداف توسعه پایدار نیازمند آگاهی مردم است و آگاهی نیز حاصل آموزش. تغییر مسیر توسعه یک کشور یا یک منطقه، حل مشکلات محیط‌زیستی و مدیریت صحیح منابع طبیعی نیازمند مشارکت مردم در روند توسعه پایدار است. کاسیموف و همکاران^۱ (۲۰۰۹) اعتقاد دارند سطح مسئولیت محیط‌زیستی، فرهنگی و اجتماعی افراد بسیار کمتر از حد انتظار برای توسعه پایدار است. برای فائق آمدن بر چنین نقصانی سطح آگاهی‌های عمومی از توسعه پایدار و مفهوم و مؤلفه‌های آن باید بالا برود.

مسئله بحران‌های محیط‌زیستی اگر همراه با پرداختن به مسئله توسعه پایدار باشد می‌تواند اهمیت بحران‌های محیط‌زیستی را بیش‌ازپیش نمایان کند. برای توسعه و پیشرفت بستر امنی از جنس محیط و نیازهای ضروری انسان باید باشد تا توسعه جامعه به تحقق بپیوندد. به نظرهای^۲ (۲۰۰۹) وظیفه آموزش برای توسعه پایدار و آموزش‌های محیط‌زیستی همراه

آن، گسترش آگاهی از نیاز به زندگی بوده است، این نیاز به زندگی و تداوم و پایداری باید عموماً همراه با اکوسیستم و هماهنگی با آن باشد و نه مجزا از محیط طبیعی. در بحران‌های محیط‌زیستی ایران نیز علاوه بر سوء مدیریت‌ها و برنامه‌ریزی‌های نامناسب و سرمایه‌گذاری‌های طمع‌کارانه، بی‌تفاوتی مردم نسبت به این مسئله نیز بی‌تأثیر نبوده است. دلیل عمده این بی‌تفاوتی می‌تواند ناآگاهی از وجود مفهومی و امکانی به نام توسعه پایدار باشد.

توسعه پایدار خلق امکان برای نگاه نو به سرمایه‌ها است. جامعه مدنی و فضای فعالیت‌های مدنی دارای امکان‌های بسیاری برای طرح مسئله توسعه پایدار و بحران‌های محیط‌زیستی است. مارتین‌های^۳ (۲۰۰۹) جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی را یکی از عناصر مهم برای ارتقاء آگاهی از توسعه پایدار دانسته است (High, 2009). سرمایه اجتماعی عنصری مهم در یک جامعه مدنی است تا جایی که سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی ذکر کرده‌اند (Azkia & Ghafari, 2008).

دابسون^۴ (۲۰۰۹) نیز جنبش‌های محیط‌زیستی موسوم به «جنبش سبز» را از مهم‌ترین تحولات مربوط به مسائل محیط‌زیستی ذکر کرده است. نبود واکنش اعتراضی لازم از سوی جامعه مدنی می‌تواند این حدس را به وجود آورد که آگاهی از توسعه پایدار در بین اقشار مختلف جامعه در حد مطلوب و تأثیرگذار وجود ندارد. از این رو حرکت به سوی توسعه پایدار بی‌شک از رهگذر جامعه مدنی و آگاهی و آموزش همگانی خواهد گذشت.

اهمیت سرمایه اجتماعی در ارتقا آگاهی از توسعه پایدار در اینجا است که شبکه‌های ارتباط و اعتماد اجتماعی میان مردم باید بتواند عناصر دانش مربوط به توسعه پایدار را به گردش درآورد تا از این رهگذر امکان ایجاد جنبش‌ها و حرکت‌های مدنی دربرگیرنده حرکت‌های معطوف به توسعه پایدار را در پی داشته باشد. با توجه به فقدان گروه‌ها و انجمن‌های مدنی فعال محیط‌زیستی در منطقه این حدس به‌پیش آمده بود که شاید سطح سرمایه اجتماعی در حدی نیست که بتواند به جنبش‌ها و گروه‌های مدنی محیط‌زیستی تبدیل شود. پس سرمایه اجتماعی و آگاهی از توسعه پایدار به‌عنوان دو متغیر جدا از هم در نظر گرفته شدند تا رابطه این دو متغیر بررسی شود و هم‌چنین نوع رابطه و تأثیر احتمالی نیز موردبررسی قرار گیرد. باید توجه

3. Martin High

4. Dabson

1. Kasimov et al.

2. High

بومی در منطقه شوشتر و ارتباط آن با سرمایه اجتماعی بوده است. این تحقیق به شیوه پیمایشی در بین ۲۲۰ نفر از مردم شهر شوشتر انجام شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده تأثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی به تمایل بر توسعه پایدار بومی است (Pourafkari, 2012).

شفیعا و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان «رابطه توسعه و سرمایه اجتماعی؛ نمونه: ساکنان محله غیررسمی شمیران نو» به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در پایداری اجتماعی یک محله غیررسمی پرداخته‌اند. این پژوهش به روش پیمایشی در بین ۴۰۰ نفر از ساکنان محله شمیران نو انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری میان سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف و مؤلفه‌های توسعه پایدار وجود دارد که از طریق روابط اجتماعی و اعتماد حاصل از آن تحقق یافته است (Shafia & Shafia, 2012).

عقیلی و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای به بررسی وجود رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار محیط‌زیستی و چگونگی این ارتباط پرداخته‌اند. روش تحقیق این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و نمونه آماری شامل ۷۵۰ نفر از ساکنان مناطق شهری استان‌های گیلان، مازندران و گلستان است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین عناصر عمده سرمایه اجتماعی با رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی نیز ارتباط معنی‌داری برقرار بوده است. (Aghili et al., 2009).

نصراللهی و اسلامی (۲۰۱۲) در مقاله‌ای در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و رفتارهای مسئولانه حامی محیط‌زیست وجود دارد؟ در این پژوهش، برای سنجش سرمایه اجتماعی از شاخص فوکویاما استفاده شده است. نتایج حاصل از مطالعه تجربی نشان داد که در دوره مورد مطالعه سرمایه اجتماعی دارای اثر مثبت و معنادار بر محیط‌زیست بوده و بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سلامت محیط‌زیست، رابطه مستقیم و قوی وجود داشته است (Nasrollahi & Eslami, 2012).

صالحی و امام قلی در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتارهای محیط‌زیستی؛ مطالعه موردی استان کردستان» انجام داده‌اند که پرسش اصلی پژوهش آنها این بوده است: آیا با افزایش و یا کاهش سرمایه اجتماعی، در رفتارهای محیط‌زیستی تغییری به وجود می‌آید یا خیر؟ نمونه آماری شامل ۴۴۰ نفر از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق شهری استان کردستان بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که با

داشت سرمایه اجتماعی نه به‌عنوان یک رفتار بلکه به‌عنوان شبکه‌های ارتباط جمعی شهروندان بررسی شده است. از این رو در درجه اول ارتباط آن با آگاهی از توسعه پایدار و در مرحله دوم و در صورت وجود تأثیر آن بررسی گردید.

از آنجاکه در مقاله حاضر از چهارچوب یونسکو با عنوان «چهارچوبی برای دهه آموزش برای توسعه پایدار سازمان ملل»^۱ استفاده شده است باید توجه داشت این چهارچوب در سال ۲۰۰۵ منتشر شد تا ۱۰ سال بعدی دهه آموزش برای توسعه پایدار در جهان باشد. مقاله حاضر در پایان این دهه در پی سنجش سطح آگاهی از توسعه پایدار در مؤلفه‌های مورد اشاره یونسکو در ایران بود تا نتایج آن را نیز مورد سنجش قرار دهد و آگاهی حاصل شده از آموزش را اندازه‌گیری نماید.

مشگین شهر در استان اردبیل، با توجه به شرایط طبیعی و جغرافیایی، پتانسیل قابل توجهی برای توسعه دارد. هم‌چنین این منطقه از نظر منابع طبیعی نیز در شرایط ایده‌آلی است که مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار گرفته است؛ اما به نظر می‌رسد نگاه صرفاً اقتصادی و سودمحور به توسعه در منطقه حاکم بوده است. از سوی دیگر انجمن‌ها و گروه‌های مردمی محیط‌زیستی فعالی نیز در منطقه وجود ندارد تا در مقابل تغییرات ضد محیط‌زیستی آشکار واکنش مدنی لازم صورت دهد.

نوآوری مقاله حاضر نگاه به مسائل محیط‌زیستی از رویکرد توسعه پایدار بوده است تا مسائل محیط‌زیستی را در ارتباط با نیاز به زندگی و پیشرفت بررسی کند نه صرفاً به‌عنوان مسئله‌ای جدا از متن زندگی. هم‌چنین آگاهی به‌عنوان کلید توسعه پایدار، پیونددهنده سرمایه اجتماعی مردم و توسعه پایدار در نظر گرفته شد. دیگر نوآوری سنجش سطح آگاهی مردم از توسعه پایدار در پایان دهه «آموزش برای توسعه پایدار» بود. از این رو هدف کلی مقاله حاضر چنین طرح شد:

- بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی به تفکیک ابعاد آن با آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار.

از اهداف جزئی نیز می‌توان به مورد ذیل اشاره کرد:

- سنجش سطح آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار بر اساس چهارچوب یونسکو

پورافکاری (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «نگرشی جامعه‌شناختی بر سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار در شوشتر» انجام داده است. هدف این پژوهش به بررسی توسعه پایدار

1. Framework for the United Nations Decade of Education For Sustainable Development (UNDES D 2005-2014)

در کانادا انجام شده است از چهارچوب سازمان یونسکو برای دهه آموزش برای توسعه پایدار استفاده کرده‌اند. پیمایش بزرگ‌سالان این طرح در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۷ در بین بیش از ۵۰۰ نفر از شهروندان مانتوبا به صورت پست الکترونیک انجام یافت. طبق نتایج این پیمایش سطح دانش بالاتر از نگرش و رفتار بوده است (Michalos et al., 2009).

دیوید هیگیت^۵ (۲۰۰۹) در پیمایشی با عنوان «امکان‌سنجی آموزش توسعه پایدار در سرمایه‌گذاری اقتصادی» به شیوه مطالعه نسلی در بین سه نسل از دانشجویان سنگاپوری، بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ به ارزیابی فهم و برداشت دانشجویان از مفهوم پایداری پرداخته است. طبق نتایج این پیمایش، دانشجویان مفهوم پایداری را بیش‌تر مطابق با عبارت «حفاظت از منابع برای آینده» می‌دانستند.

رودریگو لوزانو و همکاران^۶ (۲۰۱۴) پیمایشی جهانی برای بررسی بیانیه‌ها، منشورها و دیگر ابتکار عمل‌ها برای ورود مؤسسات آموزش عالی در عرصه آموزش برای توسعه پایدار، انجام داده‌اند. اساس کار تحقیق پیمایشی بر مبنای مرور ۶۰ مقاله بوده است. نتایج نشان‌دهنده نمونه‌های فراوانی از پیاده‌سازی توسعه پایدار در سیستم‌های آموزشی بود. آنچه مشهود بوده تأثیر مشارکت عمومی دانشجویان در ارتقاء آموزش برای توسعه پایدار به‌ویژه در بخش عمل در فضای دانشگاهی بوده است.

از نظر سازمان یونسکو پایداری مرتبط است با طرق فکر کردن درباره جهان و نیز شکل‌های عمل اجتماعی و فردی که منجر می‌شوند به: افراد اخلاقی، تقویت‌شده و آموزش‌دیده، اجتماعات ساخته‌شده بر مبنای فعالیت همکارانه، بردباری و تحمل هم دیگر و انصاف و برابری خواهی، سیستم اجتماعی و نهادهایی که حاصل مشارکت، شفاف و عادلانه هستند، روش‌های عمل محیط‌زیستی که تنوع زیستی را ارج می‌نهند و فرایندهای اکولوژیکی پشتیبان زندگی را حفظ می‌کنند (UNESCO, 2006).

برای ایجاد آگاهی نیاز به آموزش است و برای ارتقا آگاهی جهانی بحث آموزش توسعه پایدار در دستور کار سازمان‌های جهانی و کشورها قرار گرفته است. از ابتدای اوج گرفتن ایده توسعه پایدار، بحث آموزش برای ارتقا آگاهی نیز، به‌عنوان یک ابزار مهم برای نیل به پایداری مورد تأکید قرار گرفت. مشارکت بدون شک نیازمند آموزش و آگاهی است. در واقع توسعه پایدار

افزایش سرمایه اجتماعی، رفتارهای مسئولانه محیط‌زیستی نیز مسئولانه شده‌اند (Salehi & Imamgholi, 2011).

اناستازیا ناسیبولینا^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای به بررسی شرایط معاصر آموزش برای توسعه پایدار پرداخته است. در این پژوهش تجربه منطقه بایکال در پیاده‌سازی مفهوم آموزش برای توسعه پایدار بر روی اصول اخلاق محیط‌زیستی مورد بررسی قرار گرفته است. روش کار این پژوهش، مطالعه موردی در منطقه مورد اشاره بوده است. نتایج نشان‌دهنده تأثیر به‌کارگیری مشارکت اجتماعی مردم و به‌ویژه استفاده از زمینه‌های دانش بومی در ارتقا آموزش برای توسعه پایدار بود.

سیمونا ام. بوسوی^۲ در سال ۲۰۱۵ مقاله‌ای درباره تأثیر ارزش‌های اجتماعی بر توسعه پایدار نوشته است. هدف این مقاله تحلیل شرایط کشور رومانی در زمینه ارزش‌های اجتماعی و نیز بررسی فرایندی است که ارزش‌های اجتماعی به آموزش و پرورش انسان‌های اخلاق مدار منجر می‌شود تا زمینه را برای توسعه پایدار فراهم آورد. روش مورداستفاده بوسوی، کیفی است و داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان داد مهم‌ترین مسئله پیش روی توسعه پایدار در کشور مورد بررسی فقدان ارزش‌های اخلاقی نافذ برای تأثیرگذاری در رفتارهای مربوط به توسعه پایدار بوده است (Busoi, 2015).

«این هوک چویی»^۳ مردم‌شناس کره‌ای، در سال ۲۰۰۶ نتایج پژوهشی را منتشر کرد که در آن به بررسی ویژگی‌های یک جامعه آگاه از توسعه پایدار، در یک سطح منطقه‌ای درباره یک منطقه ساحلی پرداخته شده است. او در نتیجه‌گیری پژوهش خود دسته‌بندی از مؤلفه‌های یک جامعه آگاه از توسعه پایدار ارائه کرده است. برخی از مؤلفه‌های جامعه آگاه از توسعه پایدار که مرتبط به جامعه مدنی است طبق نتایج چویی چنین است: ظهور سازمان‌های محیط‌زیستی نوین حامی اخلاق محیط‌زیستی، عمومی‌سازی بحث‌های محیط‌زیستی، ظهور سازمان‌های دولتی و غیردولتی حامی توسعه پایدار، پیدایش سازمان‌هایی که باعث مسائل محیط‌زیستی هستند (Choi, 2006).

میکالوس و همکارانش^۴ در طرح پژوهشی با عنوان «سنجش دانش، گرایش و رفتار معطوف به توسعه پایدار» که در سال ۲۰۰۷ با همکاری چند سازمان بین‌المللی و دانشگاهی،

1. Anastasia Nasibulina

2. Simona M. Busoi

3. In Hok Choi

4. Michalos et al.

5. David Higgitt

6. Rodrigo Lozano et al.

می‌پذیرد دوچندان است (UNESCO, 2006). آموزش برای توسعه پایدار صرفاً یک فعالیت درسی و کلاسی نیست. این آموزش علاوه بر محیط آکادمیک و کلاسی، در فضای خارج از محیط آموزش رسمی و در سطح جامعه به‌ویژه سازمان‌های غیردولتی نیز باید باشد (High, 2009).

از نظر برنامه «دهه آموزش برای توسعه پایدار» افراد یک جامعه که در پی حرکت به‌سوی توسعه پایدار است، سه حوزه توسعه پایدار را باید در جهت نیل به پایداری درک کنند. این برنامه، سه حوزه را برای توسعه پایدار چنین تعریف می‌کند:

جامعه: دانش درباره نهادهای اجتماعی و نقش آنها در تغییر و توسعه، هم‌چنین فهم سیستم‌های دموکراتیک و مشارکتی که فرصت ابراز نظر، انتخاب دولت، اتحاد و روشن ساختن تفاوت‌ها را در اختیار شهروندان می‌گذارد.

محیط: آگاهی از منابع و شکنندگی محیط فیزیکی و تأثیرات متقابل آن با فعالیت‌های انسانی، همراه با تعهد و الزام برای لحاظ کردن نگرانی‌های محیط‌زیستی در خط‌مشی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توسعه

اقتصاد: آگاهی از محدودیت‌ها و ظرفیت‌های رشد اقتصادی و تأثیرات آن بر جامعه و محیط‌زیست، با تعهد و الزام برای ارزیابی سطوح فردی و اجتماعی مصرف و الزام نگرانی درباره محیط‌زیست و عدالت اجتماعی (UNESCO, 2006: 14).

ابعاد سه‌گانه چهارچوب آموزش برای توسعه پایدار

الف) دیدگاه‌های اجتماعی - فرهنگی

- حقوق بشر: آموزش برای توسعه پایدار باید همراه با آموزش حقوق اساسی

- صلح و امنیت انسانی: توانا ساختن مردم برای زندگی در محیطی از آرامش و صلح.

- برابری جنسیتی: امکان مشارکت زنان برای جلوگیری از فقر و کمک به حفظ محیط‌زیست

- تنوع فرهنگی و فهم بین فرهنگی: تنوع فرهنگی می‌تواند به تنوع زیستی نیز کمک کند.

- سلامتی: آموزش‌های مهارت‌های زندگی سالم

- حکمرانی: توسعه پایدار نیازمند حکومت‌هایی است که امکان مشارکت، ابراز عقیده، بحث آزاد شهروندان خود را فراهم آورد.

به رویکردی آموزشی وابسته است که در آن می‌توان افراد عقلانی و منطقی را به مشارکت در فعالیت‌های حفظ محیط‌زیست و توسعه تشویق کرد (Sutten, 2012). مک اون^۱ (۲۰۰۴) نیز آموزش را ابزاری کلیدی برای دستیابی به پایداری دانسته است. بیانیه «آینده مشترک ما»^۲ آموزش را به‌عنوان ابزاری در جهت پرورش دادن مدیریت محیط‌زیستی به‌عنوان اولویت اعلام کرد. در بیان آن نیز به‌طور مشخصی بر توجه به نسل‌های جوان‌تر تأکید شد (Blaze Corcoran & Osano, 2009: 21).

سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد تصمیم گرفت ده سال آتی را «دهه آموزش برای توسعه پایدار»^۳ بنامد. یکی از چالش‌های اصلی پیش روی توسعه پایدار این بود که چگونه می‌توان رفتارهای مردم را در جهت مطلوب توسعه پایدار تغییر داد و چه ارزش‌هایی باید وارد فرایند یادگیری شود (Michalos et al., 2009: 11). مفهوم آموزش برای توسعه پایدار می‌تواند بازتاب‌دهنده زمینه‌های محلی متنوع نیز باشد و در عرصه‌های متفاوت محلی به کار گرفته شود. چنانچه در گزارش سال ۲۰۰۴ یونسکو آمده است:

«هیچ مدل جهانی از آموزش برای توسعه پایدار وجود ندارد. باوجوداینکه توافق جامعی درباره این مفهوم وجود دارد، اما تفاوت‌های برخاسته از زمینه‌ها، اولویت‌ها و رویکردهای منطقه‌ای و محلی در آن محسوس است. هر کشوری باید اولویت‌ها و فاکتورهای خود را تعریف کند. اهداف، تأکیدها و فرایندها باید محلی تعریف شوند تا بتوانند با شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی منطقه پیوند بخورد و با مسیرهای مناسب فرهنگی منطقه هماهنگ شود» (Higgit, 2009).

بر اساس سند یونسکو، آموزش برای توسعه پایدار به‌عنوان فرایندی از یادگیری به وجود آمد، یادگیری برای تصمیم‌گیری با توجه به آینده بلندمدت اقتصادی، بوم‌شناختی و برابری جوامع. ظرفیت‌سازی برای چنین آینده‌اندیشی، وظیفه کلیدی آموزش است (Chalkey et al., 2009).

طبق بیان یونسکو، آموزش برای توسعه پایدار برای همه است. این آموزش‌ها در اشکال مختلف، سنین مختلف و از سوی سازمان‌ها و نهادهای گوناگون می‌تواند انجام پذیرد. در کنار آموزش‌های رسمی و نهادی، اهمیت‌های آموزش‌های غیررسمی که عمدتاً توسط سازمان‌های غیردولتی انجام

1. Mc.Keown

2. Our Common Future

3. Decade for Education for Sustainable Development

ب) رویکردهای محیط‌زیستی

- منابع طبیعی (آب، انرژی، کشاورزی، تنوع زیستی): آموزش اهمیت و ضرورت حفظ این منابع گام اول برای حفظ و نگه داشت این منابع برای آیندگان است.

- تغییرات آب و هوایی: آموزش ارتباط سبک زندگی با تغییرات آب و هوایی

- توسعه روستایی: آموزش‌ها در این باره، باید همراه با آموزش مهارت‌های زندگی در روستا، اهمیت روستاها و فرصت‌های اقتصادی آنها و نیز آموزش ارتقا کیفیت زندگی در روستاها باشد.

- شهرنشینی پایدار: آموزش شهرنشینی پایدار با مشارکت شهروندان

- جلوگیری از فجایع: آموزش برای برخورد با فجایع طبیعی می‌تواند در کاهش تلفات مؤثر باشد. مهم‌تر از آن آمادگی قبلی و بهسازی محیط زندگی تأثیر زیادی در این زمینه دارد.

ج) دیدگاه‌های اقتصادی

- کاهش فقر: آموزش برای کاهش فقر باید همراه با یادگیری مهارت‌ها برای زندگی و اشتغال مناسب و نیز توأم آموزش درباره حقوق انسانی باشد.

- همکاری مسئولانه و پاسخگو: آموزش برای توسعه پایدار باید آگاهی متعادلی از نیروهای مالی و اقتصادی به وجود آورد و شهروندان را آماده کند که فعالیت‌های اقتصادی و مالی مسئولانه داشته باشند.

- اقتصاد بازار: آموزش برای توسعه پایدار باید در ذهن شهروندان روشنگری نسبت به اقتصاد بازار ایجاد کند و به آنها توانایی تفکر انتقادی در این باره بدهد (UNESCO, 2009).

مک اون^۱ (۲۰۰۴) نیز چهارچوب یونسکو برای «دهه آموزش برای توسعه پایدار» را به کار گرفته و بر این است که بهبود و توسعه این سه مؤلفه در یک جامعه جدای از هم امکان‌ناپذیر است و این سه، کلاً درهم‌تنیده هستند. انگاره پایداری، انگاره‌ایست درباره آینده که در آن ملاحظه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی به‌طور متعادل رعایت شده و هدف آن توسعه و بهبود کیفیت زندگی است.

کاسیموف و همکارانش^۲ (۲۰۰۹) نیز برای آموزش‌های معطوف به توسعه پایدار رویکردی مشابه دو رویکرد قبلی در سه حوزه در نظر می‌گیرند.

توجه به توسعه پایدار، نگرشی نو به سرمایه‌هاست. توسعه پایدار علاوه بر تأکید بر حفظ سرمایه‌های طبیعی، به انسان‌ها و اعتماد و ارتباط بینابین آنها نیز به‌عنوان سرمایه‌ای ارزشمند می‌نگرد. سرمایه اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی اجتماعی می‌توانند منابع ارزشمند مختلفی را در خود داشته باشند، از جمله اطلاعات، نظریات، راهنمایی‌ها، خیرخواهی، اعتماد و همکاری و غیره (Azkia & Ghafari, 2008). منظور از سرمایه اجتماعی، سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوند با یکدیگر (و نوع این ارتباطات) می‌توانند به دست آورند (Sharepour, 2010). سرمایه اجتماعی ماده خام جامعه مدنی است و با افزایش آن می‌توان به قدرت و نقش‌آفرینی جامعه مدنی امیدوار بود. در مقاله حاضر سرمایه اجتماعی را در سه بعد مطرح شده است.

ارتباط اجتماعی: منظور از ارتباط اجتماعی مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌ویش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (Field, 2009). بورديو در تعریف سرمایه اجتماعی بر ارتباط و شناخت‌های متقابل تأکید داشته است. این بعد از سرمایه اجتماعی می‌تواند به گردش دانش توسعه پایدار در گروه‌های و شبکه‌های روابط کمک کند.

هنجارهای اجتماعی: به اعتقاد کلمن سرمایه اجتماعی به سه شکل ظاهر می‌شود: «۱. تکالیف و انتظاراتی که به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی بستگی دارد. ۲. ظرفیت انتقال اطلاعات در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم کرد. ۳. وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر باشند» (Sharepour, 2010: 254). در تعریف او نیز هنجارهای متقابل و اعتماد عناصر مهمی هستند. اگر فرد دارای سرمایه اجتماعی بالا باشد و بعد هنجارهای متقابل او در سطح قابل قبول باشد می‌تواند به گردش دانش توسعه پایدار و عناصر آگاهی‌بخش در این باره کمک کند.

اعتماد اجتماعی: شاید مهم‌ترین بعد سرمایه اجتماعی را بتوان اعتماد اجتماعی نامید. پاتنام سرمایه اجتماعی را برای اشاره به اتصال‌های بین افراد و شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و اعتمادی که در نتیجه آنها به وجود می‌آید، به‌کار برده است (Field, 2009). در نظریه او نیز میزان ارتباط و هم‌چنین میزان اعتماد متقابل نیز اهمیت دارند. اعتماد اجتماعی می‌تواند به دانش موجود در شبکه‌های ارتباطی و روابط اجتماعی اعتبار بخشد. همچنین اعتماد می‌تواند زمینه شک‌گیری گروه‌ها و انجمن‌های محیط‌زیستی نیز باشد.

1. Mc.Keown
2. Kasimov et al.

- به نظر می‌رسد بین بعد ارتباط اجتماعی سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد اعتماد سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بعد هنجارهای متقابل سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت پیمایش انجام یافت و واحد تحلیل آن فرد بود. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته بر اساس تعریف توسعه پایدار و چهارچوب سازمان یونسکو برای دهه آموزش برای توسعه پایدار بوده است. پژوهش در سال ۱۳۹۳ انجام یافته است. محل اجرای پیمایش و جمعیت مورد مطالعه، مردم مشگین شهر در استان اردبیل بوده است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت کل شهرستان مشگین شهر ۱۵۱۱۵۶ نفر بوده‌اند که ۷۲۹۵۸ نفر در مناطق شهری سکونت داشته‌اند. ۵۶۲۸۹ نفر در زمان سرشماری بالای ۱۵ سال سن داشته‌اند.

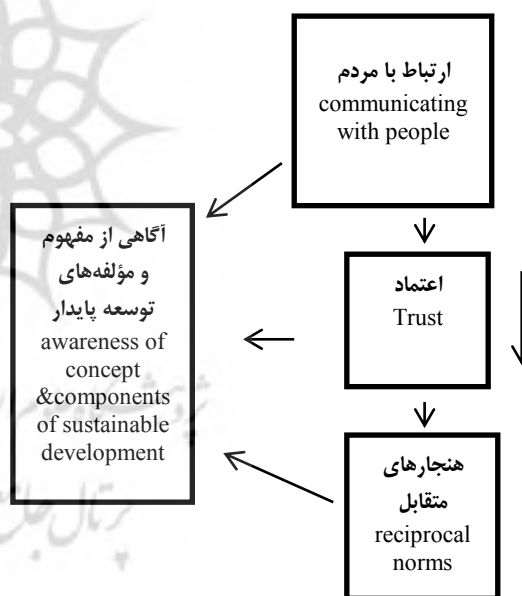
عملیاتی سازی متغیرهای پژوهش

مفهوم توسعه پایدار: این مفهوم با ۵ گویه درباره رفع نیازهای انسان، محدودیت‌های طبیعی و غیره، در طیف ۶ گزینه لیکرت سنجیده شد. بازه این طیف از (۱)، کاملاً مخالفم و (۶) کاملاً موافقم می‌باشد. پایایی این مقیاس بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۷. به دست آمد که در سطح مناسبی بود.

مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار: با ۱۲ گویه با مضمون صلح و حقوق بشر به عنوان ضرورت‌های توسعه، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، تنوع فرهنگی و احترام بین فرهنگی در فرایند توسعه، سلامتی و بهداشت به عنوان لازمه‌های توسعه، کاهش فقر، فعالیت‌های اقتصادی مسئولانه در قبال محیط‌زیست، افزایش کیفیت زندگی، در طیف ۶ گزینه لیکرت سنجیده شد. پایایی این مقیاس با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمد که در حد قابل قبولی بود.

مؤلفه‌های محیط‌زیستی: این مقیاس با ۱۸ سؤال با مضامین حفظ همه منابع طبیعی، توجه به تغییرات آب و هوایی و اقلیمی و آسیب‌های پیش روی آن، توجه به خطرات مواد پلاستیکی، توسعه روستایی، شهرنشینی پایدار، شناسایی و تصدیق تنوع گونه‌ها و اکوسیستم‌ها، محدود دانستن محیط،

با توجه به مروری که به ادبیات نظری و مفهومی موضوع صورت گرفت، از تعریف گزارش «آینده مشترک ما» از توسعه پایدار برای بررسی و سنجش آگاهی از مفهوم توسعه پایدار استفاده شده است. از این رو که این تعریف دربرگیرنده مفهومی جامع از توسعه پایدار و در عین ساده و قابل فهم برای عموم است. از چهارچوب سازمان یونسکو با عنوان «آموزش برای توسعه پایدار» جهت سنجش آگاهی از مؤلفه‌های توسعه پایدار استفاده شد. چون این چهارچوب هم دربرگیرنده ابعاد و مؤلفه‌های آگاهی از توسعه پایدار است که در دهه آموزش برای توسعه پایدار باید به مردم آموزش داده می‌شد و هم چنین به روشنی تقسیم‌بندی شده است. نظریه‌های بورديو، پانام و کلمن درباره سرمایه اجتماعی مورداستفاده قرار گرفت. این نظریه‌ها در پژوهش‌های مورداستفاده در پیشینه پژوهشی نیز مورداستفاده بوده و هم چنین تقسیم‌بندی و ابعاد آنها به گونه‌ای بود که به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در آگاهی از توسعه پایدار کمک کرد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

Figure 1. the theoretical model of research

سه بعد سرمایه اجتماعی بر یکدیگر اثر گذارند و در کل برای بهبود سرمایه اجتماعی جامعه مؤثر واقع شوند. در واقع هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی در تقویت ابعاد دیگر مؤثر است و به ارتقا آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار می‌انجامد. فرضیه‌های تحقیق در این پژوهش عبارت‌اند از:

بر عدد ۶ تقسیم شد تا میانگین هر بعد در بازه ۱ تا ۶ به دست آید. در ارزیابی سطح میانگین شاخص‌ها ۱ به معنی پایین‌ترین سطح موافقت، ۲ تقریباً پایین، ۳ متوسط روبه پایین، ۴ متوسط روبه بالا، ۵ تقریباً بالا و ۶ به معنی بالاترین سطح موافقت در نظر گرفته شد. لازم به ذکر است دلیل انتخاب طیف ۶ گزینه‌ای، از بین بردن نظرهای خنثی بوده است. سه بعد متغیر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار، در بازه ۱ تا ۶ طیف لیکرت میانگینی نزدیک به هم و در سطح متوسط رو به بالا داشته‌اند. بعد ارتباط با مردم و پایبندی به هنجارهای متقابل سرمایه اجتماعی در بازه ۱ تا ۶ طیف لیکرت در سطحی متوسط قرار داشته است. میانگین اعتماد به اشخاص و نهادها در سطح روبه پایین بوده است. جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان داده است.

جدول ۱. میانگین متغیرهای اصلی پژوهش
Table 1. means of research principal variables

انحراف معیار Standard error	میانگین Mean	متغیر وابسته به تفکیک ابعاد Dimensions of the dependent variable
0.62	4.46	آگاهی از مفهوم توسعه پایدار awareness of sustainable development
0.76	4.67	آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار awareness of components of sustainable development
0.03	4.35	آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار awareness of environmental components of sustainable development
0.41	4.32	آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار (کل) awareness of concept & components of sustainable development (total)
0.008	4.23	ارتباط با مردم communicating with people
-0.49	3.38	اعتماد به اشخاص و نهادها trust to persons & institutions
-0.05	4.51	هنجارهای متقابل reciprocal norms
0.07	4.04	سرمایه اجتماعی (کل) social capital (total)

کاهش استفاده از منابع تجدید ناپذیر، افزایش گرایش به منابع تجدید پذیر هم چون انرژی خورشیدی، کنترل مصرف‌گرایی در طیف لیکرت ۶ گزینه‌ای عملیاتی گردید. پایایی این مقیاس با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۷۲ به دست آمد که قابل قبول بود

تعریف مفهومی و عملیاتی سرمایه اجتماعی: ارتباط با مردم: با ۱۰ گویه با مضامین میزان تماس و ارتباط با دوستان، همسایگان، خویشاوندان خانوادگی نزدیک و دور، میزان ارتباط با همکلاسی‌های قدیمی ... در طیف ۶ گوی‌های لیکرت سنجیده شد و میزان پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد که قابل قبول بود.

اعتماد بین شخصی و نهادی: در مقیاسی با ۱۲ گویه با مضامین میزان اعتماد به دوستان، خویشاوندان، همسایگان، همکلاسی‌ها، همکاران، برخی از نهادهای دولتی و عمومی در طیف ۶ گزینه‌ای لیکرت سنجیده شده است که پایایی آن بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به دست آمد که قابل قبول بود.

هنجارهای متقابل: در مقیاسی ۱۲ گویه در طیف ۶ گزینه‌ای لیکرت عملیاتی گردید که شامل مضامینی چون پیش‌بینی فرد از تمایل خود به حل مشکلات دوستان، همسایگان و خویشاوندان، تمایل آنها به یاری‌رساندن فرد در مشکلات و تمایل فرد به جبران کمک‌های آنها در آینده و ... بود. پایایی مقیاس بر اساس آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به دست آمد که در سطح بالا و قابل قبولی بود.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت کل شهرستان مشکین شهر ۱۵۱۱۵۶ نفر بوده است. از ۷۲۹۵۸ نفر جمعیت ساکن در مناطق شهری، ۵۶۲۸۹ نفر در زمان سرشماری بالای ۱۵ سال داشته‌اند. از بین ۵۶۲۸۹ نفر با فرمول کوکران ۳۸۲ نفر با روش خوشه‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه برگزیده شدند اما در مجموع ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید. چون شهر فاقد مناطق شهری و ساختار شهری منسجم و مشخص بود، شهر به ده منطقه فرضی تقسیم شد و از هر منطقه ۸ تا ۱۰ کوچه به شکل تصادفی به تناسب وسعت منطقه انتخاب شد و از هر کوچه ۴ تا ۵ منزل برای ارائه پرسش‌نامه انتخاب شد.

اطلاعات و داده‌ها

سنجش متغیرها در طیف شش گزینه‌ای لیکرت انجام گردید که عدد ۱ به معنی کاملاً مخالفم و ۶ به معنی کاملاً موافقم در نظر گرفته شد. پس از به دست آمدن شاخص هر بعد، شاخص

ارتباط با مردم آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار افزایش می‌یابد. در بررسی همبستگی ارتباط با مردم با ابعاد مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار تنها بعد آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی با ارتباط با مردم همبستگی معنی‌دار داشته است. سطح معنی‌داری ($0.01 < sig = 0.001$) کمتر از 0.01 است؛ بنابراین فرضیه رابطه بین ارتباط با مردم و آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار تأیید و فرض H_0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی 0.175 نشان‌دهنده ضعیف و مثبت بین دو متغیر بود؛ یعنی با افزایش ارتباط با مردم آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار افزایش می‌یابد.

ارتباط با مردم با آگاهی از مفهوم توسعه پایدار و آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار ارتباط معنی‌داری نداشت.

ارتباط اعتماد اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار چگونه است؟

برای ارزیابی فرضیه «به نظر می‌رسد بین بعد اعتماد سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.» از آماره و آزمون R پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۳) آمده است.

جدول ۳. همبستگی بین اعتماد اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار

Table 3. Correlation of social trust & awareness of concept & components of sustainable development

سرمایه اجتماعی - اعتماد Social capital - Trust		متغیرها Variables
سطح معنی‌داری Sig.	ضریب همبستگی Correlation coefficient	
0.497	0.035	آگاهی از مفهوم توسعه پایدار awareness of sustainable development
0.597	0.028	آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار awareness of components of sustainable development
0.057	0.098	آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی awareness of environmental components of sustainable

چه ارتباطی میان آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار و رابطه با مردم وجود دارد؟

برای ارزیابی فرضیه «به نظر می‌رسد بین بعد ارتباط اجتماعی سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.» از آماره و آزمون R پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲. همبستگی بین ارتباط با مردم و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار

Table 2. correlation of communicating with people & awareness of concept & components of sustainable development

سرمایه اجتماعی - ارتباط با مردم Social capital - Communicating with people		متغیرها Variables
سطح معنی‌داری Sig.	ضریب همبستگی Correlation coefficient	
0.954	0.003	آگاهی از مفهوم توسعه پایدار awareness of sustainable development
0.437	0.037	آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار awareness of components of sustainable development
*0.001	0.175	آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی awareness of environmental components of sustainable development
**0.027	0.113	آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار (کل) awareness of concept & components of sustainable development (total)
** سطح معنی‌داری 0.05		* سطح معنی‌داری 0.01

سطح معنی‌داری ($0.05 < sig = 0.027$) کمتر از 0.05 است؛ بنابراین فرضیه رابطه بین ارتباط با مردم و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار تأیید و فرض H_0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی 0.113 نشان‌دهنده ضعیف و مثبت بین دو متغیر است؛ یعنی با افزایش

رعایت هنجارهای متقابل، امکان آگاهی یافتن از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار را در بین پاسخگویان افزایش می‌دهد. رعایت هنجارهای متقابل توانسته شهروندان را نسبت به توسعه پایدار آگاه سازد.

جدول ۴. همبستگی بین هنجارهای متقابل و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار

Table 4. Correlation of reciprocal norms awareness of concept & components of sustainable development

سرمایه اجتماعی - هنجارهای متقابل		متغیرها
Social capital - Reciprocal norms		Variables
ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	
Correlation coefficient	Sig.	
0.134	*0.009	آگاهی از مفهوم توسعه پایدار awareness of sustainable development
0.321	* 0.000	آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار awareness of components of sustainable development
0.368	* 0.000	آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی awareness of environmental components of sustainable development
0.363	* 0.000	آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار (کل) awareness of concept & components of sustainable development (total)

* سطح معنی‌داری ۰/۰۱

فرض رابطه بین آگاهی از مفهوم توسعه پایدار با هنجارهای متقابل با سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱) که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد تأیید و فرض H0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی ۰/۱۳۴ نشان‌دهنده ارتباط ضعیف و مثبت بین دو متغیر بود؛ یعنی با افزایش رعایت هنجارهای متقابل، آگاهی از مفهوم توسعه پایدار افزایش می‌یابد.

development	
آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار (کل)	
0.161	0.072
awareness of concept & components of sustainable development (total)	

سطح معنی‌داری (sig = ۰/۱۶۱ > ۰/۰۵) بیشتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه رابطه بین اعتماد اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار تأیید نشد و فرض H0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر پذیرفته گردید؛ یعنی هیچ ارتباط و همبستگی بین اعتماد و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار وجود نداشته است.

چه ارتباطی میان هنجارهای اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار وجود دارد؟

برای ارزیابی فرضیه «به نظر می‌رسد بین بعد هنجارهای متقابل سرمایه اجتماعی و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار رابطه وجود دارد.» از آماره و آزمون R پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) آمده است.

فرض رابطه بین آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار با هنجارهای متقابل با سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱) که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد تأیید و فرض H0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی ۰/۳۲۱ نشان‌دهنده ارتباط متوسط و مثبت بین دو متغیر است؛ یعنی با افزایش رعایت هنجارهای متقابل، آگاهی از مؤلفه‌های انسانی توسعه پایدار افزایش می‌یابد.

فرض رابطه بین آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار با هنجارهای متقابل با سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱) که کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد تأیید و فرض H0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی ۰/۳۶۸ نشان‌دهنده ارتباط متوسط و مثبت بین دو متغیر بود؛ یعنی با افزایش رعایت هنجارهای متقابل، آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار افزایش می‌یابد.

در باره رابطه هنجارهای متقابل با کل متغیر وابسته سطح معنی‌داری (sig = ۰/۰۰۰ < ۰/۰۱) کمتر از ۰/۰۱ بود؛ بنابراین فرضیه رابطه بین هنجارهای متقابل و آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار تأیید و فرض H0 یعنی ادعای عدم ارتباط دو متغیر رد شد. ضریب همبستگی ۰/۳۶۳ نشان‌دهنده ارتباط متوسط و مثبت بین دو متغیر است؛ یعنی با افزایش

محتوی این ارتباط دربردارنده منابع دانش درباره توسعه پایدار و مؤلفه‌های آن نیست.

جدول ۵. تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرها مستقل بر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار

Table 5. Direct & indirect impacts of variables on awareness of concept & components of sustainable development (total)

تأثیر کلی Overall impact	تأثیر غیرمستقیم Indirect impact	تأثیر مستقیم direct impact	متغیر Variables
0.218	-	0.218	هنجارهای متقابل
-0.036	0.134	-0.17	رابطه با مردم reciprocal norms

بحث و نتیجه‌گیری

به طول خلاصه می‌توان به نتایج قابل توجه چنین اشاره کرد: میانگین متغیر وابسته پژوهش، یعنی آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار در بازه ۱ تا ۶، ۴/۳۲ بود که در سطح متوسط به بالایی است و ابعاد سه‌گانه آن نیز میانگینی در این محدوده داشته‌اند. چون آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار برای نخستین بار چهارچوب یونسکو سنجش شد قابل مقایسه با پیشینه‌ها نبود. با اندکی مسامحه می‌توان گفت این نتیجه با یافته پورافکاری (۲۰۱۲)، عقلی و همکاران (۲۰۰۹)، صالحی و امامقلی (۲۰۱۲) و میکالوس (۲۰۰۹) همخوانی داشت. میانگین متغیر مستقل یعنی سرمایه اجتماعی نیز ۴/۰۴ می‌باشد که آن نیز در سطح متوسطی بود.

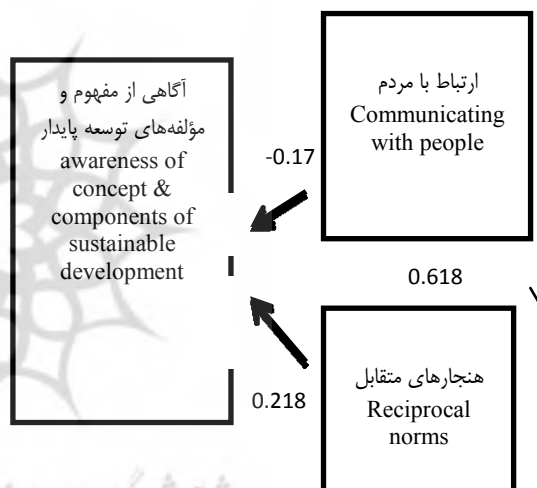
ارتباط آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار با بعد ارتباط با مردم معنی‌دار بود. اگر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار را به تفکیک آن بررسی کنیم تنها بعد آگاهی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی توسعه پایدار بود که با بعد ارتباط با مردم سرمایه اجتماعی ارتباط معنی‌دار داشته است.

بعد اعتماد اجتماعی سرمایه اجتماعی نه با کل متغیر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار و نه با هیچ‌کدام از ابعاد آن ارتباط نداشت. اعتماد اجتماعی در جامعه موردبررسی نتوانسته است به انتشار آگاهی از توسعه پایدار در شبکه روابط اجتماعی کمک کند. می‌توان گفت در شبکه روابط اجتماعی جامعه موردبررسی، مردم به انتقال مؤثر دانش در حوزه توسعه پایدار نمی‌پردازند و در صورت وجود چنین عناصری، شهروندان به آن اعتماد لازم ندارند. در شبکه‌های روابط اجتماعی احتمالاً منابع

چه متغیرهایی بر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار تأثیر گذارند؟

نمودار تحلیل مسیر به ما کمک می‌کند که مناسب بودن مدل را ارزیابی و مقدار اثر هر متغیر را تعیین کنیم. برای ارزیابی تأثیر متغیرها بر یکدیگر از ضرایب مسیر که همان ضرایب بتا هستند استفاده شد. با توجه به اینکه تأثیر ابعاد اعتماد سرمایه اجتماعی در تحلیل رگرسیونی معنی‌دار شناخته نشد و آن را از مدل نهایی حذف شدند، تحلیل مسیر با در نظر گرفتن دو بعد رابطه با مردم و هنجارهای متقابل انجام گردید.

شکل (۲) نمودار مسیر مدل تجربی تحقیق را نشان داده است. در جدول (۵) به محاسبه تأثیرات غیرمستقیم و تأثیر کلی متغیرهای مستقل رو متغیر وابسته یعنی آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار پرداخته شده است.



شکل ۲. نمودار تحلیل مسیر مدل تجربی

Figure 2. graph of path analysis (empirical model)

بر اساس نتایج تحلیل مسیر که در جدول (۵) آمده است، تأثیر مستقیم و کلی هنجارهای متقابل بر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار ۰/۲۱۸ بوده و به عبارتی با هر تغییر در رعایت هنجارهای متقابل از سوی پاسخگویان، آگاهی آنها از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار ۰/۲۱۸ واحد تغییر کرده و افزایش می‌یابد. می‌توان گفت در بین پاسخگویان، رعایت هنجارهای اجتماعی به شهروندان کمک می‌کند تا درباره توسعه پایدار و مؤلفه‌های آن آگاه شوند.

اما ارتباط با مردم تأثیر غیرمستقیم دارد و با افزایش ارتباط با مردم، آگاهی پاسخگویان از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار ۰/۰۳۶ واحد کاهش یافته است. به عبارتی، ارتباط پاسخگویان و

توسعه آگاهی سازد و به توسعه پایدار انسانی کمک کند. همچنین آگاهی از محیط‌زیست و مسائل آن نیز بسیار به هنجارها و تذکرات بین شخصی بستگی دارد. آگاهی‌های محیط‌زیستی و آموزش‌های مرتبط با توسعه پایدار امری ضروری و مهم است، اما آنچه این آگاهی‌ها را به اقدامی عملی منتهی می‌سازد یک جامعه مدنی فعال و قدرتمند است. شاید حتی بتوان این ادعا را کرد که جامعه مدنی و عناصر آن هم چون سرمایه اجتماعی می‌تواند مقدم بر توسعه پایدار باشد و زمینه‌ساز آگاهی از توسعه پایدار باشد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت زمینه‌های مدنی و اجتماعی آن‌چنان‌که باید نتوانسته‌اند پایگاهی برای اقدام عملی در جهت نیل به توسعه پایدار باشند. به نظر می‌رسد جامعه مدنی و مؤلفه‌های آن به‌ویژه سرمایه اجتماعی و انجمن‌های مردمی نیازمند گسترش دانش در درون شبکه‌های خود هستند. با توجه به موضوع مقاله حاضر دانش توسعه پایدار و سواد محیط‌زیستی باید در دستور کار سازمان‌های مردم‌نهاد قرار گیرد تا بتواند به ارتقا آگاهی از توسعه پایدار در کل جامعه کمک کند. برگزاری کارگاه‌ها و سخنرانی‌ها در سازمان‌های مردم‌نهاد، برگزاری همایش‌ها و تورهای طبیعت‌گردی و تبیین تفاوت توسعه با توسعه پایدار می‌تواند از جمله این راهکارها باشد. با توجه به ویژگی‌های منطقه مشگین شهر، این منطقه با کمبود و رخوت انجمن‌های محیط‌زیستی و سازمان‌های مردم‌نهاد مواجه است و چنین نهادهایی عملاً در منطقه حضور و فعالیتی ندارد. ارتقا شاخص‌های توسعه پایدار نیازمند آگاهی و آموزش توسعه پایدار است و این مسئله نیز در درجه اول نیازمند تقویت سرمایه اجتماعی و در کل جامعه مدنی است.

موثق و معتبر برای انتقال و انتشار دانش در حوزه توسعه پایدار وجود ندارد.

بعد هنجارهای متقابل سرمایه اجتماعی هم با کل متغیر آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار و هم با تک‌تک ابعاد آن رابطه معنی‌دار داشته است. از بین پژوهش‌های بررسی‌شده در پیشینه پژوهش تنها پورافکاری (۲۰۱۲) به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و گرایش به توسعه پایدار پرداخته که نتایج پژوهش حاضر با آن همخوانی دارد. شفیعا و شفیعا (۲۰۱۲) نیز در تحقیق نسبتاً مرتبط به نتایجی مشابه دست‌یافته‌اند و نتایج آنها درباره ارتباط سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار محلی با نتایج پژوهش حاضر همخوانی دارد. ناسیبولینا (۲۰۱۵) نیز به اهمیت سرمایه اجتماعی و مشارکت همگانی در ارتقا آگاهی از توسعه پایدار پرداخته است.

در پژوهش حاضر، ارتباط سرمایه اجتماعی با آگاهی از مفهوم و مؤلفه‌های توسعه پایدار بیشتر در بعد هنجارهای اجتماعی و ارتباط با مردم بود. در شبکه‌های روابط اجتماعی تا حدی به مسائل محیط‌زیستی پرداخته می‌شود و هنجارها نیز فشار تأثیرگذاری در این باره بر مردم می‌آورند؛ اما اعتماد بین شخصی در حدی نبوده که بتواند بر رشد آگاهی از توسعه پایدار اثر بگذارد و با هیچ‌کدام از ابعاد آگاهی از توسعه پایدار هم‌بستگی نداشته است. در واقع اعتماد به دیگران و نهادهای در روابط اجتماعی نتوانسته زمینه‌ساز رشد آگاهی درباره توسعه پایدار باشد. برخلاف بعد ارتباط با مردم و اعتماد بین شخصی و نهادی، بعد هنجارهای متقابل رابطه نسبتاً قوی‌تری با آگاهی از توسعه پایدار داشته است. رعایت هنجارهای متقابل و نظارت دوجانبه در رفتارهای اجتماعی می‌تواند افراد را از ابعاد انسانی

References

- Aghili, S. M., KHoshfar, GH.R. & Salehi, S. (2009). "Social Capital and Environmental Responsible Behaviours in the North of Iran (Case Study: Gilan, Mazandaran and Golestan Provinces)". *J. Agric. Sci. Natur. Resour.*, Vol. 16 (Special issue 1-a), 236-250. [In Persian].
- Azkiya, M. & Ghafari, G.H. (2008). "Sociology of Development". Tehran: Keyhan Press. [In Persian].
- Busoi, S. M. (2015). "Sustainable Development and the Influence of Social values, a case study on Romania". *4th World Conference on Business, Economics and Management*, (Turkey; 30 April 2015), 46 – 53 [On-Line]. Available: <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>.
- Chalkey, B., Haigh, M. & Higgitt, D. (2009). "Education for Sustainable Development, Papers in Honour of the United Nations Decade of Education for Sustainable Development (2005-2014)". New York: Routledge.
- Choi, I. H. (2006). "Awareness Of Sustainable Development; Why Did the Saemangeum Tideland Reclamation

- Project Lead to the First National Controversy Over Sustainable Development In South Korea?*". Thesis for Master of Art in Anthropology, Texas A&M University, Faculty of Anthropology, [On-Line]. Available: <http://hdl.handle.net/1969.1/ETD-TAMU-1722>.
- Corcoran, P.B. & Osano, P.M. (2009). "Young People, Education & Sustainable Development: Exploring Principles, Perspective, and Praxis". Amsterdam: Wageningen Academic Publishers.
- Dabson, A. (2008). "Andisheye Siasi Ejtemaie Sabz". Solasi, M., Tehran: Jameshenasan Publication, [In Persian]
- Field, J. (2009). "Sarmayeye Ejtemaii" Ghafari Gh.R. & Ramadani H., Tehran: Kavir Press, [In Persian]
- Giddens, A. (2005). "Payamadhaye Moderniyat". Solasi, M., Tehran: Markaz Publication, [In Persian]
- Haigh, M. (2009). "Greening the University Curriculum: Appraising an International Movement". In: Chalkey, B., Haigh, M. & Higgitt, D. (2009). Education for Sustainable Development, Papers in Honour of the United Nations Decade of Education for Sustainable Development (2005-2014), 25-42. New York: Routledge
- Higgitt, D. (2009). "Finding Space for Education for Sustainable Development in the Enterprise Economy". In: Chalkey, B., Haigh, M. & Higgitt, D. (2009). Education for Sustainable Development, Papers in Honour of the United Nations Decade of Education for Sustainable Development (2005-2014). 99-110, New York: Routledge.
- Kasimov, N., Malkhazova S.M. & Romanova, E.P. (2009). "Environmental Education for Sustainable Development in Russia". In: Chalkey, B., Haigh, M. & Higgitt, D. (2009). Education for Sustainable Development, Papers in Honour of the United Nations Decade of Education for Sustainable Development (2005-2014), 43-53. New York: Routledge
- Lozano, R., Ceulemans, K., Almeida, M.A. & Huisingh, D. (2014). "A review of commitment and implementation of sustainable development in higher education: results from a worldwide survey". *J. clean. Prod.*, 108, 1-18.
- Michalos, A. C, Greech, H. McDonald, C. & Kahlke, M. H. (2009). "Measuring Knowledge, Attitudes, and Behaviors Towards Sustainable Development: Two Exploratory Studies". [On-Line]. Available: <http://www.iisd.org/library/measuring-knowledge-attitudes-and-behaviours-towards-sustainable-development-two-exploratory>
- Nasibulina, A. (2015). "Education for Sustainable Development and Environmental Ethics", *Worldwide Trends In the Development of Education and Academic Research*, 15 - 18 June 2015, 214, 1077 - 1082. [On-Line]. Available: <http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>
- Nasrollahi, Z. & Eslami, R. (2012). "Study of the Relationship between Social Capital and Sustainable Development in Iran (Using Robert Foa Model)". *J. Econ. Growth. Dév. Res.* 13, 61-78. [In Persian]
- Pourafkari, N. (2012). "Sociological approach into social capital and sustainable development in Shushtar". *Professional Journal of Social Sciences (Islamic Azad University - Shushtar Branch)*. 17, 93-118. [In Persian]
- Ramezani Ghavam Abadi, M. (2012). "A Strategic Investigation into Environmental Protection in Iran: Necessities and Bottlenecks". *Strategy Q. J.*, 65, 233-257, [In Persian]
- Salehi, S. & Imamgholi, L. (2012). "Study the Influence of social capital on the Environmental Attitudes (case study: Kurdistan Province)". *Iranian. J. Sociol.*, 13(4), 90-115. [In Persian]
- Shafia, M. & Shafia, S. (2012). "Studying Relation between Social Sustainable

- Development and Social Capital, case study: Shemrane No". J. Appl Sociol.*, 46, 139-164. [In Persian]
- Sharepour, M. (2010). "*Sociology of education*". Tehran: SAMT Press, [In Persian]
- Sutten, P.W., (2007). "*Daramadi bar Jamee Shenasi Mohite-Zist*", Salehi, S. Tehran: Samt Press, [In Persian]
- United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) (2006). "*Framework for the United Nations Decade of Education for Sustainable Development (UNDESD 2005-2014)*". *International Implementation Scheme*. [On-Line]. Available: http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001399/139937e.pdf&ved=0ahUKEwiKkfX71rrUAhWJalAKHTE7DUEQFggUAE&usq=AFQjCNG8opaPT3cAk_Je8sVWLJn9T1BfRA&sig2=iN5XpAuPIHpDRKd1g5qYg.

